

## سلام کودکانه

### لطفا در بزنید

می‌خواستم بروم از توی اتاق اسباب‌بازی بیاورم تا با دخترخاله‌ام بازی کنم. در اتاق بسته بود. دستم را روی دستگیره گذاشتم.

مامان پرسید: «چه کار می‌کنی؟» گفتم: «می‌خوام اسباب‌بازی بردارم» مامان گفت: «داداش پویا لباسش خیس شده بود و رفته توی اتاق تا لباسش رو عوض کنه. شاید هنوز کارش تموم نشده باشه. اول در بزن» در زدم.

داداش پویا گفت: «چند لحظه صبر کن».

بعد از چند لحظه، داداش پویا که کارش تمام شده بود، از اتاق بیرون آمد و من هم رفتم و اسباب‌بازی آوردم تا با دخترخاله‌ام بازی کنم.



ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و ...

۰۹۳۵۱۴۳۹۴۵۷۶ ۷۰۰۰۹۹۹

## معرفی کتاب

### آدم کوچک

### و خواب‌های بزرگ



دوستان خوبم تا حالا شده آرزو کنید که ای کاش بزرگ بودید. بهمن کوچولو پسری بود که دوست داشت زودتر بزرگ شود. یک روز صبح وقتی از خواب بیدار شد و خودش را در آینه دید با خودش فکر کرد برای تندتند بزرگ شدن چه کاری می‌تواند انجام دهد و بعد به نظرش یک راه خوب پیدا کرد. اگر دوست دارید عاقبت کارهای بهمن کوچولو برای رسیدن به آرزویش را بدانید پیشنهاد می‌کنم، کتاب «آدم کوچک و خواب‌های بزرگ» را بخوانید.

این کتاب را که «محمد هادی محمدی» نوشته و «پرستو حقی» تصویرگری کرده، مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان برای شما عزیزان سال‌های اول دبستان و کوچک‌تر به چاپ رسانده است.

برشی از کتاب

بهمن کوچولو خواب می‌دید که بزرگ شده است، آدمی بزرگ، خیلی بزرگ. قدش از درخت انجیر بلندتر شده بود. دهانش را که باز می‌کرد، انجیرهای زرد با لب‌های سرخ در آن می‌رفتند. چه انجیرهای خوشمزه‌ای! چه خواب شیرینی، شیرین‌تر از انجیرهای خندان! بهمن دیگر کوچولو نبود. غمگین هم نبود. چون کسی نبود به او بگوید: بهمن کوچولو!

## شعر

### زبون حیوونا

توی حیاط خونمون خروسه می‌گه قوقولی قوقو  
گره می‌گه میومیو  
کفترمی‌گه بق بق بقو

قورباغه قور قور می‌کنه  
کلاغه قارقار می‌کنه  
مورچه همیشه بی صدا  
دونه ها رو بار می‌کنه

جوجه می‌گه جیک و جیک و جیک  
مرغه می‌گه قدقدقا  
هرچی می‌گن به هم دیگه  
من نمی‌فهمم ای خدا

راستی چه جور یاد بگیرم  
حرف بزمن مثل اونا  
من دوستون دارم ولی  
سخته زبون حیوونا

شاعر: مریم زارعی



## شهر قصه



نخ پاره شدو داد زد: «کمک، کمک».  
صدای راشنید. گفت:  
«من الان نجات میدم».  
دوتا لپ‌هایش را پر کرد تا آمد هوف کند، پوف کند،  
گفت: «نه نکن فوتم نکن».  
نگاهش کرد. گفت: «باد لپ‌ها ت خیلی زیاده.  
این جوری توی آسمون لای ها گم میشم».  
لپ‌هایش را خالی کرد. تا آمد هوف کند،  
پوف کند. گفت: «نه فوتم نکن. باد لپ‌ها ت خیلی کم شده، لای شاخه ها گیر می‌کنم».  
دوباره لپ‌هایش را



باد کرد. گفت: «باد لپ این‌وری خیلی زیاده. کج و کوله میشم تو آسمون».  
لپ این‌وریش را یک کم خالی کرد. تا اومد هوف کنه، پوف کنه گفت: «نه نه فوتم نکن. باد لپ اون و ریت خیلی...»  
دیگر اجازه نداد حرفی بزند. لپ‌های پر از بادش را فوت کرد، پوف کرد و هوف کرد.  
این‌وری رفت. آن‌وری رفت. از کنار ها رد شد. به زمین آمد. دست رسید. خوشحال شد و گفت: «آخیش یه حوصله‌ام سررفته بود».  
گفت: «آخیش از دست راحت شدم»  
گفت: «آخیش از دست غرغرو راحت شدم».

نویسنده: مریم عاطفی

## دانستنی‌ها

### پیشگیری از کرونا

دوستان گلم این روزها شما هم احتمالا اسم ویروس کرونا را شنیده اید. البته این بیماری برای بچه‌ها خطرناک نیست اما برای جلوگیری از شیوع این بیماری (یعنی این که بقیه نگیرند) لازم است موارد زیر را رعایت کنید:



۱- دست‌هایتان را مرتب و با دقت با آب و صابون بشویید، به خصوص وقتی از بیرون به خانه برمی‌گردید.



۲- هنگام عطسه و سرفه جلوی دهان و بینی‌تان را با دستمال بگیرید.



۳- مواد غذایی مقوی و مایعات زیاد استفاده کنید تا بدن شما قوی‌تر شود.



۴- اگر بیمار هستید و ناچارید بیرون بروید، سعی کنید از ماسک استفاده کنید تا دیگران مبتلا نشوند.



۵- با کسی دست ندهید و تا جایی که امکان دارد، در خانه بمانید.



۶- این روزها فقط از وسایل خودتان استفاده کنید و فقط از خوراکی‌های خودتان بخورید.

تصویر سازی ها: سعید مرادی

## سرگرمی

### بگرد و پیدا کن

دوستان گلم به این تصویر با دقت نگاه کنید و ۱۰ کلمه‌ای را که با حرف «ق» شروع می‌شوند، پیدا کنید.

